

راهبردهای حفاظتی مقابله با تهدیدات نرم علیه امنیت ملی در جامعه دینی

سلیمان شایان‌فرا، عباس سماواتی، زهره نیک‌فرجام^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۸

چکیده:

ظهور گونه‌های نوین تهدیدات علیه امنیت ملی با رویکردهای فناورانه، راهبردهای مقابله با آنها را در همه ابعاد دستخوش تحول ساخته است. احصاء راهبردهای حفاظت از جامعه دینی در برابر طیف‌های متنوع و وسیع تهدیدات علیه امنیت ملی با محوریت شاخص‌ها و مولفه‌های دینی که وجه تمایز آن از سایر مکاتب مادی و الحادی است، هدف این پژوهش است که با روش توصیفی و اسنادی پس از توصیف متغیرها و بیان نسبت میان تهدیدات و امنیت، محققین را بر آن داشت تا با برشماری مهمترین چالش‌های پیش رو، اصول و مبانی برآمده از متون دینی را متناسب با گونه‌های تهدیدات ارائه نمایند. یافته‌های پژوهش نشان داد با توجه به ساختار و ماهیت حاکمیت دینی، تهدیدات «ایدئولوژیکی، فرهنگی و ترکیبی فناورانه» علیه امنیت ملی مهمترین وجوه تهدیدات هستند که برای صیانت از حاکمیت و ارزش‌های آن، نیازمند تحول کمی و کیفی در ساختارهای حفاظتی، اشکال و ابزار نوین تهدیدات، منطبق بر شریعت است که با «کنش خوداندگیخته شهروندان»، تقویت باورها و ارتقاء حس تعهد دینی و ملی» و «عملیاتی کردن آموزه‌های دینی ناظر به مسئولیت جمعی روزآمد» به عنوان راهبرد ایجابی حفظ جامعه قلمداد می‌شوند.

واژگان اصلی: تهدیدات نرم، امنیت ملی، جامعه دینی، حفاظت.

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی، شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی، شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ab.sama@chmail.com

۳. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی، شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

جامعه ایران که از بدو ظهور انقلاب اسلامی، زیست سیاسی خود را در میان انواع بحران و چالش‌ها سپری کرده است، به دلیل قرار گرفتن در خط مقدم مواجهه با نظام سلطه و محور مقاومت با بالاترین درجه از تهدیدات روبه‌رو است که در سال‌های اخیر به سمت «ذهنیات»، «باورها» و «ارزش‌های بنیادین جامعه و نظام اسلامی» تغییر یافته است. بازیگران و قدرت‌های عصر جدید با تعریف دگرگونه از مقوله «اقتدار» و «حاکمیت ملی» با بهره‌گیری از ابزارها و تکنیک‌های نو، به «نفوذ» در لایه‌های مختلف «جوامع هدف» دست یافته و از اهرم‌های پیچیده ذهنی و روانی برای شکل‌دهی به رفتار و افکار ملت‌ها بهره می‌جویند. به موازات بالابردن ضریب بهره‌مندی دولت‌ها و ملت‌ها از امکانات و ابزارهای نوین، چالش‌ها و تهدیدات تازه‌ای در قلمرو زیستی آنها ایجاد شده است. به-گونه‌ای که در زیست مشترک دولت _ ملت‌ها، مرز «امنیت و ثبات» با «ناامنی و ناپایداری» بسیار کم‌رنگ شده و فاصله «تهدید» و «فرصت» به حداقل رسیده است.

در چنین فضایی، حفظ و مراقبت از مرزهای اعتقادی، رفاه و اقتدار ملی به امری خطیر و چندوجهی تبدیل شده و مأموریت و آمال اصلی حکومت‌ها برای «تحقق امنیت ارکان سه‌گانه: جامعه، نظام و شهروندان» دیگر با اهرم‌ها و ابزارهای سنتی امکان‌پذیر نیست. از این رهگذر «رویاری نظام دینی با نظام‌های سلطه و متخاصم» الزامات و اقتضانات تازه‌ای می‌طلبد که در رأس آنها، تجهیز ساختار نظام حفاظتی و امنیتی به دانش و تکنیک صیانت از هویت ارزشی، اقتدار معنوی و میراث دینی جامعه قرار دارد. در این حیطه، کارآمدی و توان‌مندی نظام حفاظتی و امنیتی در گرو پیش‌بینی و شناسایی «مجاری نفوذ»، «لایه‌های آسیب‌پذیر جامعه» و «تکنیک‌ها و راهبردهای نظام سلطه» است که به طور فزاینده ضمن تأکید بر اهمیت موضوع، بر ضرورت آن برای جلوگیری از دستکاری در ذوات فرهنگی، سیاسی، دینی و اجتماعی مردم، به اتخاذ راهکارهای دفاع و خشی نمودن آنها نیز تأکید می‌نماید.

اهداف و پرسش‌های پژوهش:

مواجهه با چالش‌های آینده تنها در سایه اشراف و احاطه به مختصات جنگ نرم میسر خواهد بود زیرا موافقت آینده نهاد حفاظت بویژه در حوزه «پیشگیری» بستگی به درجه شناخت و اشراف آنها به کارزار جدید دارد. تحولات فناورانه امروز همچون شمشیر دو لبه در مورد کارایی و چالش این سازمان‌ها عمل می‌کنند. شماری از مشاغل، مهارت‌ها و تخصص‌های گذشته در این نهادها

منسوخ می‌شوند. سازمان‌های حفاظت اطلاعات در این مرحله به نیروهایی با تعریف «مهارت بالا، قدرت خلاقیت و نوآوری» نیازمند هستند. نظام نوین «مدیریت سازمان‌های حفاظت اطلاعات» بر پایه نقش‌آفرینی در محیط متلاطم و غیرقابل پیش‌بینی استوار است. مدیران این سازمان‌ها می‌بایست ضمن تجهیز به علم «آینده‌شناسی»، به هنر راهبری در محیط پویا، بی‌ثبات و متغیر و توانایی تبدیل تهدید به فرصت آراسته شوند تا بتوانند در میدان غلبه بر چالش‌ها و تهدیدات فرار و موفق عمل نمایند. احصاء راهبردهای حفاظت از جامعه دینی در برابر طیف‌های متنوع و وسیع تهدیدات علیه امنیت ملی با محوریت شاخص‌ها و مولفه‌های دینی که وجه تمایز آن از سایر مکاتب مادی و الحادی است، هدف این پژوهش است. بنابراین در این مقاله در صدد پاسخ به این سؤال هستیم که: الگوی مطلوب و کارآمد نظام حفاظتی در برابر تهدیدات امنیت ملی در یک جامعه دینی چیست؟

سئوالات فرعی مورد نظر در این پژوهش عبارتند از:

۱. منابع و اطلاعات حیاتی کشور در برابر حملات و نفوذهای سازمان یافته چگونه قابل

محافظت می‌باشند؟

۲. چگونه می‌توان با تکیه بر باورهای اعتقادی، حس تعهد اجتماعی و وجدان جمعی، الگوی

حفاظت مبتنی بر «مشارکت مردمی» را سازمان داد؟

۳. اصول و آموزه‌های اسلامی ملهم از رهنمودها و آراء مراجع دینی برای معماری «نظام نوین

حفاظتی» کدامند؟

پیشینه پژوهش:

در سیر «امنیت‌پژوهی» و مبحث حفاظت اطلاعات می‌توان دو مرحله متمایز در مطالعات محققان غور نمود. مرحله‌ای که در آن، امنیت نظام سیاسی و جامعه با «تهدیدات سخت» و ملموس مواجه هستند و این نوع تهدیدات ارکان و سازمان‌های حکومتی و شخصیت‌های نظام را هدف قرار داده‌اند و به تبع آن مطالعات و پژوهش‌ها با رویکرد بازشناسی ماهیت و ابعاد «تهدیدات سخت علیه امنیت ملی» و عبور نظام اسلامی از این مرحله پیش می‌رود و مرحله دوم که با ظهور عصر ارتباطات و انقلاب اطلاعات آغاز می‌شود و تهدیدات علیه امنیت ملی جنبه فناورانه، ذهنی و عمدتاً نامحسوس پیدا می‌کند. در این مرحله، رویکرد غالب پژوهش‌ها معطوف به بازشناسی «تعاریف»، «نظریات» و مختصات حوزه حفاظت و امنیت در عصر جدید است. با این پیش‌درآمد شماری از آثار تحقیقی در

حوزه حفاظت و صیانت امنیت ملی در برابر تهدیدات را مرور می‌کنیم.

۱. طیفی از محققان با دغدغه احیای جایگاه و موقعیت «حفاظت» از اطلاعات و منابع حیاتی کشور، مطالعات و تألیفات خود را به این امر اختصاص داده‌اند و در این راستا با نگاه تطبیقی به الگوهای رایج در نظام‌های سیاسی دیگر کوشیده‌اند، جایگاه و نقش‌های اساسی این نهاد به‌درستی شناخته و نهادینه شود تا نگاه هر دو طیف از سیاستگذاران و افکار عمومی به کارکرد نظام حفاظتی در امنیت روانی و سیاسی افراد و جامعه جلب شود. (بزمی حاجی خواجه لو، ۱۳۹۹).
۲. جمعی از محققان بر مبنای نظریه «فرایند مدیریت دانش» به تبیین جایگاه و نقش حفاظت در چرخه امور امنیتی و سیاسی کشور پرداخته‌اند. این گروه از محققان دغدغه بهره‌برداری از مدیریت دانش حفاظتی در اشراف اطلاعاتی و امنیت پایدار را دارند. آنها با بهره‌گیری از نظرات، تجارب و رهیافت‌های تئوریک و عملیاتی فرماندهان و کارشناسان حفاظت اطلاعاتی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که مدیریت دانش حفاظتی، تأثیرات تعیین‌کننده‌ای در ارتقای مهارت حرفه‌ای کارشناسان و فعالان این حوزه داشته و اشراف اطلاعاتی سازمان را بر حوزه مسئولیتی را تضمین می‌کند و در سایه این تحول علمی امنیت پایدار حاصل می‌شود. (رحیمی، ۱۳۸۷: ۱۵۱-۱۷۰).
۳. حسین رجیبی با کاوش در سیره ائمه معصومین(ع) در مدیریت حوزه حفاظت و امنیت به صورت موردی، الگوی نظام حفاظتی حضرت امام هادی علیه السلام را بررسی کرده و به طور مبسوط ابعاد و سطوح اصلی نظام حفاظت اطلاعات را در سیره امام معرفی نموده است که مهم‌ترین مولفه‌های حفاظتی و اطلاعاتی از نتایج آن به هدایت اطلاعاتی، مدیریت اطلاعاتی، بصیرت اطلاعاتی، ارتباطات پنهان، اقدام عملیاتی، نظم اطلاعاتی، فریب اطلاعاتی، آینده‌نگری، نفوذ معنوی، فرصت‌جویی هوشمندانه، یشگیری مبتنی بر پیش‌بینی، حفاظت اسرار، ارشاد مبتنی بر هدایت، نظارت و واپایش، بازدارندگی، آمادگی قبل از تهدید، گزینش کارآمد به‌عنوان رفتار حفاظتی و ... را به صورت تشکیلات اطلاعاتی در قالب «سازمان وکالت» که توسط خود امام اداره می‌شده است، بیان نموده است. (رجیبی دوانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱-۳۰).
۴. برخی از مطالعات نگاهی آسیب‌شناسانه نسبت به وضع موجود و توانمندی این نهاد دارند. این رشته تحقیقات در پی پاسخ به این پرسش اساسی بوده‌اند که چرا نظام‌های حفاظتی از ایفای مأموریت اصلی خویش که اشراف اطلاعاتی و پیشگیری از چالش‌های امنیتی بوده است، بازمانده‌اند؟ نتیجه بررسی این محققان این است که پاشنه آشیل سازمان‌های حفاظتی «تحلیل

- اطلاعات» بوده و از آنجا که منابع و مهارت‌های کافی در پردازش و واکاوی منطقی «داده‌ها» را فراهم نکرده‌اند از پیش‌بینی پدیده‌های امنیتی و نتیجتاً پاسخ‌گویی به مطالبات و انتظارات نظام حکومتی بازمانده‌اند. در حالی که طی سال‌های اخیر، رویکرد اصلی تهدیدها بر نفوذ در لایه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه استوار بوده است، اما سازمان‌های حفاظتی به دلیل ضعف در پردازش اطلاعات و پیش‌بینی الگوهای رفتاری دشمن از امر مهم «آماده‌سازی و آگاهی بخشی» به جامعه و در نهایت امر مهم فرهنگ‌سازی غفلت ورزیده‌اند. (رستمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۷-۱۴۸).
۵. در رشته‌ای از مطالعات، تلاش شده است تصورات و تلقی‌های سستی نسبت به مقوله حفاظت و نقش نهادهای متولی امنیت نقد و واکاوی شود. نگاه‌هایی از این دست که حفاظت را معادل و مترادف «حراست» می‌بینند یا آنکه با رویکرد ابزاری و مکانیکال، نقش و کارویژه نهاد حفاظت را به سطح یک «دایره مراقبتی» در سازمان‌ها تنزل می‌دهند. به‌باور این محققان، چنین برداشت‌های سستی باعث شده توجه چندانی در تخصیص منابع به مقوله حفاظت صورت نگیرد و این حوزه چنان‌که شایسته است، جایگاه واقعی خود را در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آینده پیدا نکند. این محققان برآن هستند تا در ساختار و سیستم مدیریتی آینده، قلمرو مسئولیت و مأموریت حفاظت اطلاعات می‌بایست بازنگری شود. به‌باور اینان، اولین پیشنهاد تحول و توسعه نظام حفاظت در ایران اسلامی دست‌یابی به یک «اجماع ملی» در باب احیای جایگاه حفاظت است. این فرایند اجماع، از مسیر بازنگری جدی در نگاه سازمان‌ها و نهادهای تصمیم‌گیر بویژه در مراکز قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری به‌دست می‌آید. در این راستا لازم است یک «درک و مفاهیم عمومی» نسبت به کارکرد حفاظت اطلاعات در تثبیت و تحکیم ساخت درونی قدرت ملی در عصر جدید صورت پذیرد. (طلایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۷-۱۲۴).
۶. حمیدرضا نادى نویسنده کتاب الگوی راهبردی حفاظت ملی با انگیزه آگاه‌سازی جامعه و هوشیاری دادن به کارگزاران و متولیان امور امنیت، با نگاهی انتقادی نسبت به سیر حوادث امنیتی بر این باور است که هنوز آسیب‌ها و خلاءها در این زمینه برطرف نشده و با گذشت زمان و بروز تحولات نوین در عرصه‌های مختلف جامعه، چالش‌های تازه‌ای فراروی متولیان امور حفاظت بروز می‌کند. (نادی، ۱۳۹۶).
۷. تحولات عصر ارتباطات در واقع تعاریف جدیدی از وظایف و مأموریت‌های سازمان‌های حفاظتی و امنیتی به‌وجود آورده است. در این مرحله، نیروها و نهاد حفاظت اطلاعات صرفاً

«ضابط نظامی» یا حراستی در محیط امنیتی یا سیاسی نیستند، بلکه آنها گام در عرصه لایتناهی به نام «فضای مجازی» می‌گذارند که بازیگران و کارگردانان آن به پیچیده‌ترین تکنیک‌ها و ظریف‌ترین روش‌های نفوذ و تأثیرگذاری بر افکار و رفتار عامه مردم و نخبگان جامعه مجهز هستند. در مطالعات این گروه، موضوع «جرائم سایبری» و «عملیات هک» و سوءاستفاده دشمنان از اطلاعات حیاتی کشور، جایگاه منحصربه‌فرد دارد. بر همین اساس، نظام حفاظتی در این مرحله، مقام و موقعیتی فراتر از همه نهادها و سازمان‌های امنیتی پیدا می‌کند تا جایی که امنیت، آرامش و انسجام جامعه و نظام سیاسی در کف اراده این نهاد قرار می‌گیرد. برحسب یافته‌های این محققان، چالش‌های دامن‌گستر اطلاعاتی، یک تغییر و جابجایی عمیق در جغرافیا و قلمرو عملکرد سازمان‌های حفاظتی به وجود می‌آورد به گونه‌ای که آنها از موقعیت سنتی خویش به عنوان «سپر دفاعی» نظام حکومتی فراتر رفته و به «چتر ایمنی» جامعه و سیستم سیاسی تبدیل می‌شوند. لذا اغلب استراتژی‌های معطوف به نقش نظام حفاظتی در عصر جدید معطوف به «توان بسیج و مشارکت اجتماعی» آنها در مقابله با چالش‌ها و تهدیدات سایبری استوار می‌شود. در این فرایند، کارشناسان و نخبگان حوزه حفاظت بر امور مهمی همچون؛ آموزش و آگاه‌سازی جامعه نسبت به مخاطرات دنیای سایبری، توجیه مدیران و دست‌اندرکاران امور حکومت نسبت به امر شگردها و شیوه‌های نفوذ، مراقبت از کانون‌های ذخیره‌سازی و انبان اطلاعات حیاتی کشور، حفاظت از اسناد و مدارک مهم بویژه در مراکز حساس حکومتی. (تقی پور و اسماعیلی، ۱۳۹۷: ۱۸۱-۲۰۲).

تدقیق در آثار و منابع متعدد نشان می‌دهد به رغم ضرورت و اهمیت حفاظت برای تضمین امنیت در حوزه‌های مختلف، هنور دغدغه مشترک اغلب پژوهشگران این است که چالش‌های امنیتی عصر ارتباطات نه تنها «موقعیت دولت‌ها» بلکه ثبات جامعه و «انسجام و هویت فرهنگی ملت‌ها» را هدف قرار داده است و باید برای آنها متناسب با ایدئولوژی حاکم تدابیر ویژه‌ای اندیشید. اگرچه هر طیف از محققان تصویر و شناختی در زمینه‌های مختلف نظیر: «نقش و جایگاه نهاد حفاظت نظام حکمرانی»، «مأموریت‌ها و مسئولیت‌های نهاد حفاظت در گذشته و حال»، «سیره و سنت رفتاری ائمه علیهم‌السلام و پیشوایان دینی در حوزه حفاظت و اطلاعات»، «آسیب‌ها و ضعف‌های نظام حفاظتی در دوران امروز»، «تأثیر تحولات فناورانه عصر جدید بر نقش و جایگاه نظام حفاظتی» و «مبانی حقوقی نظام جمهوری اسلامی و اندیشه‌های رهبران انقلاب در باب مسئولیت نهاد حفاظت» ارائه می‌کنند. چنان‌که پیداست اغلب جستارها و نوشتارها از منظر نیازمندی‌ها و مطالبات نظام حکمرانی

مقوله حفاظت و امنیت را مورد کاوش قرار داده‌اند و توجه چندانی به این موضوع حیاتی که جامعه دینی و ایدئولوژیک ایران در دوره جدید نیازمند «نظامات حفاظتی-صیانتی» برای مواجهه با تهدیداتی که متوجه ارزش‌ها و باورهای حیات‌بخش آن هست، صورت نگرفته است. بنابراین خلاء این موضوع که نهاد حفاظت در عصر جدید برای عبور دادن جامعه از گرداب پدیده «نفوذ» و «استحاله ارزش‌ها و باورها» توسط کانون‌های سلطه مسئولیت خطیری دارد، به‌طور جدی حس می‌شود. با این ملاحظه مهم که نهاد حفاظت در برهه جدید مأموریت تاریخی مربوط به «صیانت از اطلاعات حیاتی و ارزش‌ها و میراث اعتقادی جامعه» در برابر انواع تهدیدها را در سایه الگوی مشارکت خودانگیخته اجتماعی می‌تواند به انجام رساند. در واقع پدیده صیانت و حفاظت از ارزش‌ها و باورهای ایدئولوژیک پروسه‌ای نیست که دولت‌ها یا چند سازمان و واحد حکومتی قادر به تأمین آن باشند.

مبانی مفهومی

حفاظت: حفاظت به مجموعه‌ای از اقدامات دلالت دارد که هدف از آن صیانت از داده‌ها، سازه‌ها، نهادها و کلاً منابع و سرمایه‌های کشور در برابر تعرض‌ها و تهدیدات است. بر این اساس با طیف متنوعی از دانش‌ها روبه‌رو هستیم که به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم با حفاظت ارتباط دارند. (رضایت، ۱۳۹۵: ۶۹-۹۴).

تهدید نرم: منظور از تهدیدات نرم، طیف وسیعی از کنش‌ها و اقدامات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است که کشورهای برخوردار از فناوری ارتباطی برتر، از آنها برای تحمیل غیرمستقیم اراده خویش بر دیگران استفاده می‌کنند. (عقبیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۵).

جامعه دینی: جامعه دینی جامعه‌ای است که نظام روابط اجتماعی آن دینی باشد، به عبارتی مشخص‌تر، جامعه دینی جامعه‌ای است که در آن، زمام چهار عرصه زندگی اجتماعی انسان یعنی سیاست، اقتصاد، حقوق، اخلاق، در دست دین بوده و هدف و جهت دینی داشته باشند. (تقوی، ۱۳۸۸: ۱۶۲-۱۱۵).

ملاحظات نظری / چارچوب نظری / چارچوب مفهومی:

با توجه به گستره و عمق مباحث مربوط به الگوهای تولید امنیت و حفاظت، شاهد ارائه طیف متنوعی از نظریه‌ها هستیم که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. نظریه هنجاری با محوریت «نظام ارزشی»

امنیت و حفاظت در هر جامعه‌ای در گرو وجود نظام هنجارهایی است که بتواند به شکل‌گیری هویتی منسجم، فعال و پویا کمک کند. به همین خاطر است که بررسی نقش ادیان مختلف در تکوین هویت‌های جمعی اهمیت یافته و در سال‌های اخیر حتی کارشناسان امنیتی مقوله حفاظت در برابر تهدید را به صورت تخصصی در چهارچوب «جامعه‌شناسی دین» بررسی کرده‌اند. نظام هنجاری حاکم بر جامعه است که نوع و مختصات اندیشه حفاظت در برابر تهدیدات امنیتی را شکل می‌دهد و پایه‌های دگرترین موفق حفاظتی را بر اصولی چون «سلامت اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت جمعی و...» استوار می‌سازد. برای ایمنی و حفاظت جامعه و سیستم در برابر انواع تهدیدات می‌بایست آن را به هنجارهای مقبول و درونی شده افراد تبدیل کرد. (حلیمی جلودار، ۱۳۹۲: ۹۱).

۲. نظریه‌های مبتنی بر ساختار مناسبات درونی جامعه

این دسته از نظریه‌ها، شرایط و ساختار جامعه را به‌عنوان سپر دفاعی اصلی در حفاظت از تهدیدات ضد امنیت ملی مطرح می‌کنند. در همین راستا در پی توضیح و تبیین نقش عناصر و نهادهایی است که در شکل‌گیری ساختار جامعه نقش آفرین هستند. از جمله نقش رسانه‌ها و سمن‌ها. از منظر این نظریه، مقوله امنیت و حفاظت به ظاهر مفاهیم و عناصر بنیادی ادبیات حاکمیت هستند اما در عصر جدید به سرعت به پدیده‌های اجتماعی و عام و فراگیر تبدیل شده‌اند. (رفیع‌پور، ۱۳۹۲).

۳. نظریه‌های روان‌شناختی با محوریت امنیت و حفاظت افراد و شهروندان

بنیاد نظریه‌های روان‌شناختی بر این اصل ساده اما در عین حال راهبردی استوار است که سلامت جامعه معدل برابر با حاصل جمع سلامت شهروندان و افراد آن است؛ به همین خاطر تولید امنیت و تقویت ساختار حفاظتی از مسیر توجیه، اقناع و مشارکت افراد می‌گذرد. از این منظر «جامعه موفق در عرصه حفاظت» در برابر تهدیدات، جامعه‌ای است که نظام «خودکنترلی» افراد را به پیشگیری و مصونیت در برابر انواع تهدیدها و آسیب‌ها توانمند می‌سازد. (قوچانی، ۱۳۹۴: ۶۵-۸۴).

۴. نظریه‌های واقع‌گرایانه با محوریت «دولت»

از منظر واقع‌گرایان عنصر حیات‌بخش در فرایند امنیت «قدرت» است. آنها معتقدند که بازیگر محوری این عرصه، «دولت» خواهد بود نه «جامعه». طبق این تئوری، دولت‌ها هستند که با بسیج منابع، ایجاد موانع و محدودیت‌ها و یا تمهید زمینه‌های آموزشی و حقوقی به شکل‌گیری یک نظام حفاظتی همت می‌گمارند. (بیات، ۱۳۸۷). با این‌که این نظریه سال‌های طولانی بر عرصه روابط بین-

الملل سیطره افکنده بود اما با ظهور پدیده قدرت نرم از اهمیت و وزن آن کاسته شد. زیرا به‌باور کارشناسان، امنیت و حفاظت پروسه‌ای نیست که دولت به‌تنهایی قادر به تأمین آن باشد. (کاکرهام، ۱۳۹۶: ۲۷-۶۰).

۵. نظریه‌های نوظهور با محوریت ابزار نوین

در نظرات جدید محققان علم ارتباطات مشاهده می‌شود که حفاظت از امنیت ذهنی و فرهنگی جامعه در عصر جدید رابطه مستقیم و ماهوری با مفاهیم «پیش‌بینی»، «تحلیل»، «پیشگیری» و «بازدارندگی» از تهدیدات و چالش‌های آینده دارد. طبق نظریات جیمز دیتور، روند چالش‌های آینده از تعامل چهار مولفه پدید می‌آید: رویدادها، روندها، تصویرها (از آینده) و اقدامات. این نظریه‌پرداز روندها را به سه دسته تقسیم می‌کند: روندهایی که استمرار گذشته و حال هستند؛ روندهای کم و بیش ادواری و روندهای نوظهور. سپس در تشریح روندهای نوظهور که محور بحث ما در این مقاله است می‌نویسد: آینده ممکن است آستن اموری باشد که از هر حیث نو بوده و پیش از آن هرگز به تجربه بشری درنیامده‌اند. مهم‌ترین روند به طور عمده پیامد مستقیم و یا غیرمستقیم تکنولوژی‌های جدید هستند. (اسلاتر، ۱۳۸۶).

رابرت ماندل چالش‌های عصر جدید برای دولت‌ها و جوامع را نیز از همین منظر پی‌گرفته است. ماندل بر این باور است که انقلاب اطلاعاتی یا جنگ اطلاعات *iW* نبردها و چالش‌های جدیدی را پایه‌ریزی کرده است که نمونه‌های بارز آن در جریان تهاجم ۱۹۹۱ آمریکا به عراق نمایان شد و ایالات متحده از فناوری‌های نوین برای انهدام زیرساخت‌های ارتباطی، مخابراتی و اطلاعات حیاتی این کشور بهره کامل جست. (ماندل، ۱۳۷۷).

روش تحقیق:

در این تحقیق با روش توصیفی و اسنادی پس از توصیف متغیرها و بیان نسبت میان تهدیدات و امنیت، از منابع فقه اسلامی در ادوار مختلف، نصوص دینی، پژوهش‌های حوزه ارتباطات، اطلاعات و امنیت بهره‌جسته و مقوله‌های حفاظتی بررسی و واکاوی شده‌اند که پس از گردآوری داده‌های فقهی و امنیتی و استخراج نکات اساسی و تأثیرگذار و دسته‌بندی و تنظیم آنها، به شرح و بیان آنها پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش:

اغلب نظام‌های حکومتی برحسب موقعیت سیاسی و تاریخی خویش و مبتنی بر نوع تهدیدات داخلی و خارجی، منشور جایگاه و مسئولیت‌های نهاد حفاظت را تعریف و تبیین کرده‌اند. در جمهوری اسلامی نیز بر حسب چالش‌هایی که از بدو وقوع انقلاب اسلامی و تأسیس نظام دینی بروز کرده، شاکله نظام حفاظتی شکل گرفته است. (نادی، ۱۳۹۶). یکی از وجوه تمایز سازمان حفاظت اطلاعات در نظام و جامعه دینی با نهادهای مشابه خارجی در جوامع سکولار به تفاوت‌های مبنایی در مقوله‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ارزش‌شناسی آن برمی‌گردد. در منظر فقه سیاسی اسلام، شالوده و زیربنای عملکرد نهاد و نیروی حفاظت را ارزش‌های اخلاقی و آموزه‌های دینی شکل می‌دهد. بر اساس سنت و سیره اسلامی، مأموریت‌های معطوف به حوزه‌ی اطلاعات، امنیت و حفاظت شرایط و الزامات خاص از حیث مراتب پرهیزگاری و تهذیب نفس است که فقط افرادی خاص می‌توانند متولی و مجری آن شوند. (مهدوی راد و همکاران، ۱۳۹۳: ۵) که این افراد از نظر ساخت فردی و اجتماعی باید به مراتبی از کمال و شایستگی دست یابند که بتوانند در برابر آسیب‌ها و آفت‌های اعتقادی دچار لغزش و انحراف نشده تا از فرصت‌های فراروی به مهار تهدیدات بپردازند.

مکتب شریعت بر آن است که همه پدیده‌های اجتماعی و سیاسی با نیروی ارزش‌ها و هنجارها قابل کنترل و مدیریت هستند. بر این اساس ساخت و محتوای نظام اعتقادی در هر جامعه، تأثیر مستقیمی بر نوع و میزان نقش افراد و گروه‌های اجتماعی در صیانت از حفاظت و امنیت دارد. (افتخاری، ۱۳۹۷: ۱۶۴). متون دینی و شواهد تاریخی در صدر اسلام نیز بر این مهم تصریح دارند که از ابتدای تأسیس حکومت اسلامی به دلیل موج توطئه‌های اردوهای متخاصم اعم از: کفار، منافقین و یهودیان، تجهیز و تربیت هسته نیروهای متولی امور اطلاعات و حفاظت وجه همت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام قرار گرفته بود. بر همین اساس، ابتدای نظام حفاظت اطلاعات بر ارکان معرفتی و تربیتی، محور مطالعه بسیاری از محققان تاریخ اسلام است. (مهدوی راد و همکاران، ۱۳۹۳: ۷).

اصول راهبردی اسلام در زمینه‌سازی برای یک الگوی «حفاظت مردم‌محور»

دین مبین اسلام به دلیل تکیه بر عنصر بنیادین فرهنگ و نگاه فرهنگ‌مدار در مواجهه با آسیب‌ها و تهدیدات جامعه نسبت به زوایای نرم‌افزارانه مسائل امنیتی از ظرفیت بالایی برخوردار است که

التزام به آنها می‌تواند به تقویت و تعالی سیستم مدیریت حفاظت و امنیت در جوامع اسلامی کمک کند. آنچه به‌عنوان «خودکنترلی» تعبیر شده، یک ساختار مبتنی بر دو عنصر «آگاهی» و «اراده» است که در قالب نظام فرهنگی تربیتی اسلام به آن توجه و تأکید شده است و افراد با نگاهی متعهدانه برای حفظ منافع جمع و جامعه اهتمام می‌ورزند. (افتخاری، ۱۳۹۷: ۱۶۸).

مبانی کنشگری شهروند نظام دینی در برابر خطرها و تهدیدها دارای سه رکن اساسی است: تقوا و تهذیب نفس؛ از آن حیث که به مهار و سوسه‌های مادی و جاه‌طلبانه و ماجراجویانه انسان می‌انجامد، زمینه ساز و عامل بازدارنده از نقش‌های امنیت‌سوز و تنش‌زا است. تقوا و تزکیه نفس همچون نیروی محرکه درونی انسان عمل می‌کند که نتیجه آن اصلاح رفتار فردی و تلاش برای رفع نابسامانی و خلاءها و خلل‌ها در زندگی اجتماعی است. (عیسایی، ۱۳۹۴: ۱۵۷-۲۵۰)

اولویت بخشی به مسئولیت جامعه یا «جامعه محوری» در بحث امنیت؛ ماهیت اجتماعی امنیت و حفاظت به‌گونه‌ای است که نسبت به مداخلات مستقیم و آمرانه و تحکم‌آمیز قدرت سیاسی واکنش منفی از خود نشان می‌دهد. اسلام برای تضمین سلامت جامعه در سطح اجتماعی به تعریف، طراحی و اجرای یک شبکه روابط اجتماعی مبتنی بر مسئولیت جمعی، سازوکاری اندیشیده است که افراد و اقدار مختلف جامعه در قبال یکدیگر احساس مسئولیت کرده و برای پیشگیری از بروز ناامنی و یا مدیریت مؤثر ناامنی‌ها با یکدیگر تعامل و همکاری می‌کنند. (عیسایی، ۱۳۹۷: ۱۵۷-۲۳۰)

تکیه بر سرشت حق‌طلبانه و خداجویانه انسان‌ها: احیای فطرت الهی انسان سازوکاری مهم برای فعال سازی جامعه در امر مدیریت حفاظت و امنیت است. از آنجا که صیانت و حمایت از «سلامت و امنیت و مصونیت» در جامعه جزو گرایش درونی و فطری انسان‌ها است. توصیه و تأکید مکرر قرآن کریم، بر احیای فطرت و بازگشت انسان‌ها به آن است. در این صورت است که شاهد اقبال عمومی به مشارکت در سیاست‌های و «طرح‌های حفاظت و صیانت» خواهیم بود... با این نگاه رهبران و مراجع دینی، بیش از هر چیز بر عنصر «بصیرت» و آگاهی شهروندان دیندار تأکید ورزیده‌اند و ساختار نظام تعلیمی و فرهنگی جامعه را مهم‌ترین تضمین در عبور از چالش‌ها و تهاجم قدرت‌های متخاصم قلمداد کرده‌اند. حضرت امام خمینی (ره) موفقیت نظام اسلامی در عرصه مهم تحقق استقلال و اقتدار را به نظام تربیتی جامعه متکی می‌داند: «اگر فرزندان در دامن مادران و حمایت پدران متعهد به‌طور شایسته و با آموزش صحیح تربیت (شوند) ... استقلال و آزادی و تعهد به مصالح کشور (به-درستی) پایه‌ریزی می‌شود... (موسوی‌الخمینی، ۱۳۶۷، ج ۱۵: ۲۴۵)

بصیرت و ژرف اندیشی دینداران دارای چنان جایگاه و منزلتی است که امام علی علیه‌السلام از دست دادن چشم سر را بهتر از فقدان بصیرت می‌داند. مقام معظم رهبری در این باره تاوان سنگینی که جهان اسلام متحمل شده را گوشزد می‌کنند و می‌فرمایند: اگر من بخواهم یک توصیه (خطاب به خواص و نخبگان) بکنم آن توصیه این خواهد بود که بصیرت خودتان را زیاد کنید. بصیرت بلاهایی که بر ملت‌ها وارد می‌شود در بسیاری از موارد بر اثر بی‌بصیرتی است. (میار و رمضان، ۱۳۹۱: ۵-۳۴). چنان‌که پیداست در نگاه رهبران دینی خطری بزرگ‌تر از رخوت و انفعال شهروندان جامعه اسلامی در برابر تهدیدها نیست. زیرا حاصل و محصول این خموشی و «سکوت جمعی» عادی شدن جرم و جرائم و عرفی شدن منکرات است که اندیشمندان اسلامی آن را علت‌العلل و سرمنشأ انحطاط تمدن و اقتدار مسلمانان خوانده‌اند.

اصول نظارت و مسئولیت‌پذیری، زیرساخت یک نظام مطلوب و مردمی حفاظت و امنیت

یکی از خرده‌نظام‌های مهم که باید در طراحی هر سیستم، مد نظر قرار گیرد، نظام، پایش و نظارت است. اساساً شکل‌گیری، ثبات، تداوم و پویایی هر نظامی، به آن وابسته است. نظارت و حساسیت خودانگیخته، سازوکاری مهم در کاهش ناامنی‌ها و تهدیدات حفاظتی است. «نظارت و مراقبت» از سلامت سیستم و امنیت جامعه که «شأن ذاتی» نهاد حفاظت است، چیزی نیست که از در جهان امروز، ابزارها و امکانات دولتی قادر به تأمین آن باشند. گفتمان مدیریت اسلامی بر این رویکرد استوار است که امر نظارت و مراقبت از مرزهای امنیت و سلامت نظام و جامعه را از آحاد پیروان شریعت طلب کند و بر همین اساس اصل امر به معروف به نهی از منکر تجلی نظارت همگانی و مسئولیت‌پذیری آحاد جامعه را نسبت به هم به تصویر می‌کشد.

از صدر اسلام تاکنون، برخی اندیشمندان بر این بوده‌اند که امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه‌ای فردی است و مانند بسیاری تکالیف و احکام الهی، بر فرد مسلمان واجدالشرایط واجب است. در این دیدگاه، شرایط و مقتضیات زمان و مکان، کمتر مؤثر است و حکومت دینی و اسلامی وظیفه خاصی ندارد. دیدگاه دیگر، امر به معروف و نهی از منکر را افزون بر وظیفه فردی، موضوعی اجتماعی و حکومتی می‌داند. بر مبنای نگرش دوم، توسعه فرهنگ شریعت‌مدار و ایجاد زمینه‌ها و بسترهای گسترش آن، فراهم آوردن سازوکار مناسب و بسیاری دیگر از مؤلفه‌های مدیریت سیاسی خرد و کلان، در نظام دین‌بنیان مطرح می‌گردد. (براتلو، ۱۳۸۹: ۷۸-۵۱)

«تعهد اخلاقی، باور دینی و کنش‌های خودانگیخته» مؤثرترین سلاح در کارزار حفاظت

در جامعه‌ای با مختصات ارزشی و ماهیت دینی بدون شک می‌بایست سازوکاری متناسب با هویت ایدئولوژیک برای حوزه امنیت و حفاظت طراحی و تعبیه کرد. مراجع دینی و رهبران انقلاب بیش از هر چیز بر مسئولیت اجتماعی و تعهد دینی افراد در مراقبت از تهدیدها و حفاظت از کیان و ارزش‌ها و هوشیاری در برابر دشمنی‌ها، فتنه‌ها و خصومت‌ها تاکید ورزیده‌اند و قوی‌ترین سلاح و سپر حفاظتی در برابر نفوذ و رخنه دشمنان را هوشیاری و حساسیت دینی و انقلابی شهروندان دیده‌اند. «مسئولیت اجتماعی» یا وجدان جمعی مقوله‌ای است که با عقاید و ایدئولوژی آنها گره خورده است. در ادبیات علوم اجتماعی از این مقوله تحت عنوان «وجدان جمعی و یا خرد جمعی» یاد می‌شود که یکی از عناصر سازنده «هویت اجتماعی» است. ایستارها، رفتارها و رویکردهای افراد از جهان‌بینی اعتقادی آنها نشأت می‌گیرد. کارکرد عنصر تعهد یا مسئولیت اجتماعی آنجا است که تهدیدهای عصر جدید خصلت عمومی، فراگیر و نامحسوس یافته و به لایه‌های عمیق ذهنی و روانی افراد رخنه کرده است. حال در کارزاری با این مختصات، صیانت و حفاظت در برابر تهدیدها فقط از «آگاهی جمعی» و «کنش‌های خودانگیخته» افراد برمی‌آید.

اقبال گسترده به الگوی مشارکت هدفمند و خودانگیخته، در میان نهادهای امنیتی، حفاظتی

شواهد و یافته‌های محققان مختلف حاکی از این است که اکثر سازمان‌ها و نهادهای امنیتی، الگو و دکترین جدید حفاظتی خود را بر پایه مشارکت اجتماعی و داوطلبانه مردم پایه‌ریزی کرده‌اند. در این رویکرد، مقوله حفاظت و امنیت دیگر یک امر صرفاً حکومتی و اسرارآمیز نیست که صرفاً وزارت اطلاعات یا سرویس‌های امنیتی و مخفی مجری و متولی آن باشند. هر شهروندی می‌تواند نقش یک کنشگر در عرصه حفاظت و امنیت را ایفا کند. در این عرصه، سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی در این نگاه نقش تنظیم‌کننده و سیاستگذار را دارند. در سایه اعتماد و اقبال نهادهای حافظ امنیت به شهروندان است که هدف متعالی یک نظام حکومتی مبنی بر گستردن چتر حفاظت و صیانت به لایه‌های زیرین و ناپیدای جامعه به بار می‌نشیند.

منابع اصلی قدرت نظام حفاظتی از منظر رهبران انقلاب و چالش‌های جدید

در منظر رهبران انقلاب، تکیه‌گاه و منبع اصلی قدرت نهادهای امنیتی و حفاظتی، باورهای دینی و ارزش‌های معنوی هستند. این ارزش‌ها هر کدام رکنی از ارکان مصونیت و «قدرت بازدارندگی»

نظام و جامعه اسلامی در برابر خطرات و تهدیدات هستند. بر این مبنا، تضعیف هنجارهای دینی و اعتقادی بزرگ‌ترین خطر برای حوزه حفاظت و امنیت قلمداد می‌شود. ظهور انقلاب اسلامی موجب شکل‌گیری ارزش‌هایی شد که ملهم از ماهیت اسلامی آن بود و با تکیه بر همین ارزش‌ها، به تعریف جدیدی از بازیگران و صحنه بین‌الملل پرداخته و ایجادگر حکومتی بدیع در سطح داخلی شد. ارزش‌ها همیشه هسته اصلی و خمیرمایه‌ی فرهنگ را شکل می‌دهند. به‌گونه‌ای که بنیان فرهنگ بر جنبه شناختی خود یعنی ارزش‌ها نهاده شده است. نتیجه اینکه یکی از وجوه فرهنگی که انقلاب اسلامی برای صدور در نظر گرفته «ارزش‌های انقلاب» است که برگرفته از جهان‌بینی و فرهنگ اسلامی است. (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۵).

در منظر رهبر معظم انقلاب، رواج سکولاریسم و اندیشه‌های مغایر هویت دینی سرمنشأ ناامنی، تفرقه و یأس عمومی است که دشمن را به طمع سیطره و سلطه بر شئون مختلف جامعه و حکومت اسلامی می‌اندازد. از همین رو، معظم‌له در سال‌های اخیر بیش از هر چیز بر خطر «نفوذ و استحاله» انگشت تأکید نهاده‌اند. از منظر ایشان، نفوذ فکری و فرهنگی خطرناک‌تر و ماندگارتر است و البته راه مقابله با آن نیز بسیار پیچیده‌تر است. مهمترین خطر این‌گونه از نفوذ، اختلال هویتی، سکولاریزه شدن و سیطره ارزش‌ها و هنجارهای مغایر با باورها و اعتقادات دینی و انقلابی جامعه است. نکته کلیدی اینجا است که رهبر معظم انقلاب در تشریح و تبیین راه‌های مقابله با این خطرات بر عنصری تأکید کرده‌اند که رهیافت اصلی این پژوهش است یعنی آگاه‌سازی جامعه، هوشیاری جوانان انقلابی و رسالت نخبگان و خواص جامعه. ایشان این مجموعه راهکار را اخیراً تحت عنوان با مسمای «جهاد تبیین» تئوریزه و صورت‌بندی کردند. در تبیین راهبردهای گام دوم انقلاب نیز بر همین مقوله تأکید می‌ورزند: آفت‌ها را بشناسیم، فسادها را بشناسیم، راه‌های رخنه‌ی دشمن را بشناسیم و در مقابل آنها به طور جدی ایستادگی کنیم. امروز گام دوم انقلاب این است: شناختن ظرفیت‌ها و مزیت‌ها و استفاده‌ی از آنها، و شناختن فسادها و رخنه‌ها و کمبودها و مشکلات و سینه سپر کردن برای حل آنها. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۸/۱/۱).

دنیای سایبری و مسئولیت حفاظت از داده‌های حیاتی کشور، امنیت روانی و باورهای اعتقادی جامعه
 موج تازه تحولات جهانی بعد از انقلاب فناوری‌های نوین چهره و ماهیت رقابت‌ها و جنگ‌ها را تغییر داده است جای نیروهای نظامی و امنیتی سابق را ارتش‌های سایبری گرفته‌اند که با تکیه بر

قدرت «پیام» و «تصویر» و بهره‌مندی از ابزارهای ماهواره‌ها و حسگرهای درون میدان نبرد ارکان و منابع قدرت جامعه هدف را تحت نفوذ قرار می‌دهند. این کارزار که از آن به عنوان صحنه چالش با باورها و ارزش‌ها تعبیر می‌شود، ذهنیات هر سه گروه، مدیران، نخبگان و افکار عمومی را دربر می‌گیرد. از طرف دیگر، حیات نظام‌های سیاسی و اقتصادی در عصر مدرن در گرو بهره‌مندی از فناوری اطلاعات است. فناوری اطلاعات به همان اندازه که نقش موتور محرک رشد و توسعه دولت‌ها را ایفا می‌کنند، نقطه آسیب و پاشنه آشیل آنها به حساب آیند. در این معادله است که «مقوله حفاظت و امنیت» تعاریف جدیدی به خود می‌گیرد. این تهدیدها و چالش‌ها منحصر به ایران نیست بلکه همه جوامع در فرایند جهانی شدن و برچیده شدن مرزهای جغرافیایی در معرض نفوذ و رخنه اندیشه‌های نظام سلطه و استحاله ارزش‌های بومی هستند. طی سال‌های اخیر در صحنه خاورمیانه، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش مهمی در ایجاد یا دگرگونی بسیاری از اشکال کنش جمعی، از اقناعی تا تقابلی و از اقدامات فردی تا جمعی برعهده دارند. کما اینکه چنین کارکردهایی در جنبش انقلابی مصر نمایان شد. (موسوی، ۱۳۹۲: ۲۷).

از همین رو دولت‌ها و پارلمان‌ها در عصر جدید سرمایه‌گذاری هنگفتی حول زیرساخت حفاظت و امنیت اطلاعات انجام می‌دهند. زیرساخت مربوط به حفاظت و امنیت سیستم‌های اطلاعاتی دو حوزه؛ فناوری (ابزارها) و افراد (عوامل انسانی) را در بر می‌گیرد. در یک مرحله اغلب پروژه‌های تحقیقاتی مربوط به حفاظت و امنیت سیستم‌های اطلاعاتی با «رویکرد فنی» طراحی و اجرا می‌شود. اما به مرور زمان، دولت‌ها و سیاستگذاران دریافته‌اند که «عوامل انسانی و سازمانی» اهمیتی فراتر از حفاظت امر فناوری دارد. (تقی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۱-۲۰۲).

حکمرانی فضای مجازی، پدیده نفوذ و استحاله و راهبردهای رهبر معظم انقلاب

مهمترین و اصلی‌ترین مطالبه مقام معظم رهبری در همین مبحث مدیریت و حکمرانی فضای مجازی قرار دارد که بعد از ۱۵ سال هنوز تحقق نیافته است و معظم له بارها نسبت به این مساله به دولتمردان گلایه داشته‌اند. می‌فرمایند: فضای مجازی خیلی مهم است. آقایی که در زمینه‌ی فضای مجازی نظراتی دارند و ابراز می‌کنند و گاهی می‌گویند که این جزو زندگی اصلی مردم است - که ما هم قبول داریم؛ الان واقعاً فضای مجازی، یک بخش حقیقی از زندگی مردم شده؛ حالا دولت الکترونیک و از این قبیل که به جای خود محفوظ است - شکی نیست [اما] آنچه عرض من است و

من روی آن تکیه می‌کنم این است که فضای مجازی بدون اختیار ما، از بیرون از اختیار ما دارد مدیریت می‌شود؛ بحث این است. (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با هیات دولت، شهریور ۱۳۹۲). به این ترتیب مقام معظم رهبری از فضای مجازی به عنوان قدرت نرم یاد می‌کنند که دارای اثرگذاری بالایی در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، سبک زندگی، ایمانی، اعتقادات دینی و اخلاقی است. (اسدی و همکاران، ۱۳۹۶).

نتیجه‌گیری

بررسی مطالعات پیشین مرتبط با این حوزه نشان می‌دهد که شالوده اصلی پژوهش‌ها به حوزه تهدیدات سخت معطوف بود که به رویدادهایی نظیر: ترورها، خرابکاری‌ها، جاسوسی‌ها، تعرض به تأسیسات و مراکز حساس حکومتی، سرقت‌های اطلاعاتی و یا موارد نفوذ در مراکز مهم امنیتی و سیاسی پرداخته‌اند. البته به‌تازگی رشته تازه‌ای از مباحث در حوزه حفاظت و امنیت به تهدیدات ناشی از عصر دیجیتال و عرصه ارتباطات اختصاص یافته است.

در پژوهش حاضر ضمن مرور و بازخوانی دو رشته از «مطالعات سستی» ناظر به تهدیدات سخت امنیتی و نیز «مباحث نوین» معطوف به جنگ نرم و چالش‌های فضای مجازی تلاش شد تا مبحث تازه‌ای با محوریت «راهبردهای نظام حفاظتی در صیانت از هویت دینی و ارزش‌ها و منابع قدرت ایدئولوژیک جامعه و نظام» گشوده شود. در این مسیر، ابتدا وجوه تمایز و مزیت‌های تفکر دینی در قیاس با مکاتب سکولار در «معماری یک الگوی حفاظتی» اشاره و بیان شد که «ساخت ارزشی و ایدئولوژیک جامعه»، چگونه بر نوع و میزان مشارکت افراد و گروه‌های اجتماعی در حوزه حفاظت و امنیت تأثیر می‌گذارد. در ادامه با استناد به متون و نصوص دینی، اصول راهبردی فقه سیاسی چون: «صلاحیت مکتبی در پذیرش مسئولیت‌ها»، «نفی فردگرایی و تقدم منافع اجتماعی بر منافع شخصی» و تکیه بر «سرشت آرمان‌خواهی و حق‌طلبی انسانها» در زمینه‌سازی برای یک الگوی «حفاظت مردم‌محور» بازگو شد.

از منظر آرای فقه‌ای نیز در اندیشه رهبر انقلاب یکی از مهم‌ترین کارزارهای نظام و جامعه اسلامی در عصر جدید «فضای سایبر» است که در صورت عدم مدیریت صحیح و استفاده ناصواب از آن به قتلگاه تبدیل می‌شود، همچنین پدیده «نفوذ» نقطه کانونی در فعالیت قدرت‌های سایبری است که به اشکالی پیچیده و گسترده زیست اعتقادی، ارزش‌ها، باورهای دینی و زیرساخت‌های

ایدئولوژیک و انقلابی جامعه ایران را هدف گرفته است. در چنین عرصه‌ای، رهبر معظم انقلاب، در کنار مسئولیت خطیری که بر دوش نخبگان انقلابی برای «جهاد تبیین» و آگاه‌سازی و هوشیاری نسل جوان قرار داده‌اند، مأموریت اصلی نهادهای حفاظتی و امنیتی را در پاسخ‌گویی به تهدیدات برخاسته از فضای مجازی می‌بینند. آراء و اندیشه‌های رهبر انقلاب دلالت بر این دارند که اصل «نظارت همگانی»، «تعهد اخلاقی»، «غیرت دینی» و «کنش‌های خودانگیخته»، در فضای پیچیده امروز که نقش دولت‌ها را به حداقل رسانده است، می‌تواند مؤثرترین سلاح در کارزار تهدیدات علیه امنیت ملی قلمداد شود.

منابع

- اسدی، علی و شمسی، محمد (۱۳۹۶). فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری، کنفرانس ملی رویکردهای نوین علوم انسانی در قرن ۲۱، رشت.
- اسلاتر، ریچارد (۱۳۸۶). نواندیشی برای هزاره‌ی نوین، ترجمه: ابراهیمی سیداحمد و همکاران، تهران: موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۷). اصول الگوی اجتماعی حفاظت و امنیت در جامعه اسلامی، پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی، ۷(۲۵)، ۱۵۵-۱۸۲.
- براتلو، فاطمه (۱۳۸۷). راهبردهای نظارت همگانی در مدیریت سیاسی جامعه دین‌بنیان، جستارهای سیاسی معاصر، ۱(۱)، ۵۱-۷۸.
- بزمی حاجی خواجه لو، علی (۱۳۹۹). نقش حفاظت، حراست در پیشرفت، اقتدار و امنیت، دومین همایش ملی امنیت اقتدار و پیشرفت، تهران.
- بیات، بهرام (۱۳۸۷). فراتحلیل آسیب‌های اجتماعی و جرایم، تهران: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱/۱/۱۳۹۸.
- تقوی، سید مرتضی (۱۳۸۸). سخنی در مفهوم جامعه دینی، فقه اهل بیت، ۲(۷)، ۱۱۵-۱۶۲.
- تقی‌پور، رضا و علی اسماعیلی (۱۳۹۷). طراحی مدل مفهومی الگوی دفاع سایبری جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی، ۸(۳۰)، ۱۸۱-۲۰۲.
- حایک، مریم (۱۳۹۹). راهکارهای رسانه‌ای باورپذیری کارآمدی انقلاب اسلامی ایران، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۱)، ۱۵۱-۱۷۶.
- حلیمی جلودار، حبیب‌الله (۱۳۹۲). آسیب‌های سیاسی و اجتماعی در نهج‌البلاغه، پژوهشنامه نهج-البلاغه، ۱(۱)، ۱-۱۰.
- خلف زاده، رشید؛ خوزین، حسن و شریفی، منوچهر (۱۴۰۰). راه‌های مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن از منظر مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، مطالعات دفاع مقدس، ۷(۱)، ۱۵۹-۱۸۱.
- رحمانی تیرکلاپی، حسین (۱۴۰۰). زمینه‌های ارتقاء کارکردهای سیاسی انقلاب اسلامی در جامعه، جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۲(۴)، ۱۸۷-۲۰۴.
- رستمی، علی و جهانی‌راد، حجت‌الله (۱۳۹۶). کاربست مدیریت دانش حفاظتی در اشراف اطلاعاتی-امنیتی پایدار، امنیت پژوهی، ۱۶(۵۸)، ۱۲۷-۱۴۸.

- رضایت، غلامحسین و مرادیان، فیض‌الله (۱۳۹۵). الگوی راهبردی حفاظت اطلاعات اسلامی، امنیت ملی، ۶(۲۲)، ۶۹-۹۴.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۲). آنوتومی جامعه، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سبحانی، فری، علی (۱۴۰۰). ارائه الگو دفاع نرم سیاسی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر گفتمان امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، مطالعات دفاع مقدس، ۷(۳)، ۶۹-۸۹.
- عیسی‌نیا، رضا (۱۳۹۴). جمهوری اسلامی ایران و شهروندی؛ مبانی و اصول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی).
- قوچانی، محمد مهدی؛ موسوی، امیر و حسین‌پور، داوود (۱۳۹۴). حفاظت و امنیت اطلاعات با ارائه الگوی مفهومی مهندسی اجتماعی، پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی، ۴(۱۴)، ۶۵-۸۴.
- کاکراهام، ویلیام (۱۳۹۶). نظریه سبک زندگی سلامت‌محور و همگرایی عاملیت و ساختار، مترجم: آتشین صدف، محمدرضا، طعم زندگی، ۲(۶)، ۲۷-۶۰.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۷). چهره متغیر امنیت ملی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محمدرضا منفرد، حسن؛ عزیزی مهماندوست، مهدی؛ موحدی صفت، محمدرضا و انتظاری، حسن (۱۴۰۰). الگوی راهبردی جلوگیری از امنیتی شدن پدیده‌های متأثر از فضای سایبر، مطالعات دفاع مقدس، ۷(۳)، ۲۰۹-۲۲۸.
- موسوی‌نیا، سید مهدی و جمال زاده، ناصر (۱۳۹۹). گفتمان انقلابی گری در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۹(۱)، ۱۷۷-۱۹۹.
- موسوی، سیدمحمد؛ موسوی، سیدمحمدرضا و توتی، حسینعلی (۱۳۹۲). جایگاه رسانه‌های جدید در تحولات اخیر خاورمیانه، پژوهش‌های ارتباطی، ۲۰(۷۵)، ۱۵-۳۴.
- موسوی‌الخمنی، روح‌الله (۱۳۶۷). صحیفه امام (ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مجلدات ۱۳ و ۱۵.
- مهدوی‌راد، محمدعلی و صادقی، حسن (۱۳۹۳). تحلیل ارزش شناختی بصیرت در حفاظت اطلاعات از دیدگاه قرآن و حدیث، پژوهش‌های حفاظتی و امنیتی، ۳(۹)، ۱-۲۲.
- میار، یحیی و علی رضائی، حسین (۱۳۹۱). مؤلفه‌ها و کارکردهای بصیرت از نگاه امام خامنه‌ای در حوزه دفاع از ارزشها و مبانی، مطالعات راهبردی بسیج، ۱۶(۵۷)، ۵-۳۴.
- نادی، حمیدرضا (۱۳۹۶). الگوی راهبردی حفاظت اطلاعات ملی، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.